فصل‌نامه علمی ـ پژوهشی پژوهش‌نامه‌ی تاریخ اسلام
سـال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۰
صفحات ۱۳۹ – ۱۵۲

عوامل مؤثر در نشر و گسترش اسلام در مجمع‌الجزایر مالایا از آغاز تا ورود استعمارگران

بررسی موردی نقش تجار[۱]

سیـا وش یـا ری[۲]

چکیـد ه

مجمع‌الجزایر مالایا (جزایر بین هندوچین و استرالیا) به علت موقعیت خاص جغرافیـایی، در طول تاریخ مورد توجه و مطمح نظر اقوام مختلف قرار گرفته است. در آستانه‌ی ورود اسلام، در این منطقه و به‌ویژه در جاوه و سوماترا، فرهنگ و تمدن هندی رواج یافتـه بود. گرچه ایرانیان و عرب‌ها نیز از دیرباز بـا ایـن جزایـر مـراودات تجـاری و بازرگـانی داشتند، اما پس از طلوع اسلام و گسترش آن، بازرگانان مسلمان، هم به جهت موقعیت و اهمیت ترانزیتی این مجمع‌الجزایر که بر سر راه چین و شرق آسیا قرار داشت و هم به علت وفور ادویه در جاوه، سوماترا و جزایر ملـوک بـه ایـن منـاطق روی آوردنـد. تجـار ایرانی، عرب و هندی هم‌چون مبلغان دین اسلام به ایفای نقش پرداختند. در این مقاله نگارنده در پی آن است که نقش این تجار در نشر، ترویج و تعمیق اسلام و باورهای آن و ساز و کار گسترش اسلام، زمینه‌ها، علل و عوامل گروش بومیان این جزایـر و موانـع آنان از این حیث را مورد بررسی قرار دهد.

کلیدواژه‌ها

گسترش اسلام، مجمع‌الجزایر مالایا، بازرگانان، جاوه، سوماترا، جزایر ملوک

---

۱. تاریخ دریافت: ۸۹/۶/۶. تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۰/۸.
۲. استادیار گروه الهیات دانشگاه ایلام. cia۸۳۹@yahoo.com

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-15]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.7.7]

مقدمه

نشر و گسترش هر ایده یا پدیده‌ای به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، معلول زمینه‌ها، علل و عواملی است. در واقع در تحلیل چنین پدیده‌ای باید سه مؤلفه‌ی مبدأ، مقصد و مبادی و راه‌های تبادل و نشر مورد توجه قرار گیرد و ویژگی‌ها و اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی جامعه‌ی مبدأ و مقصد نشر ایده یا آیین نو مورد توجه واقع شود. البته موانع و مشکلات گسترش یک ایده‌ی جدید را نیز نباید از نظر دور داشت. اسلام در بخش وسیعی از جهان به‌ویژه در شبه قاره‌ی هند و جنوب و جنوب شرق آسیا توسط تجار و بازرگانان و از مسیر کاروان‌ها و کشتی‌های تجاری گسترش یافت. هرچند مقصدِ نشر یعنی مجمع‌الجزایر مالایا – که از نظر سیاسی و فرهنگی تحت سیطره‌ی هندوییسم و فرهنگ هندی قرار داشت– از مبدأ و منشأ اسلام یعنی سرزمین‌های عربی و ایران دور بود اما برخی مشکلات چون ناآشنایی تجار و بازرگانان با فرهنگ و تمدن مناطق جدید و زبان بومیان نیز موجبات کندی روند نفوذ و گسترش اسلام را فراهم می‌آورد؛ ولی شکست سطوت و سیطره‌ی هندوییسم در این منطقه را قطعی می‌نمود. البته در این میان حکومت‌های محلی نوظهور مسلمان و مبلغان دیگری غیر از تجار، هم‌چون علما و صوفیان نیز به تدریج به ایفای نقش پرداختند که به دلیل وسعت دامنه‌ی پژوهش محل و مجال پرداختن به آن‌ها در این مقاله‌ی مختصر نیست. به هر تقدیر، فرهنگ اسلامی از همان بدو امر توسط تجار و بازرگانان به همراه کالاهای تجاری به جزایر جنوب و جنوب غرب آسیا چون سیلان، مادیو و لاکدیو و پس از آن سوماترا، جاوه و جزایر ملوک راه یافت و در یک فرآیند تاریخی، صورت‌بندی اجتماعی منطقه را متحول ساخت؛ به گونه‌ای که حتی ورود استعمارگران نیز نتوانست این سرنوشت تاریخی را دگرگون سازد.

اهمیت و سابقه‌ی مناسبات اقتصادی دنیای اسلام با مجمع‌الجزایر مالایا

فرهنگ و تمدن در مجمع‌الجزایر مالایا نیز هم‌چون دیگر نقاط دنیا تحت تأثیر مهاجرت اقوام مختلف به این سرزمین و تعامل فکری و فرهنگی بومیان با مهاجران، به‌ویژه تجار بین‌المللی قرار داشته است. هندی‌ها از جمله اقوامی بودند که با مهاجرت به مجمع‌الجزایر مالایا و اسکان دائم در آن جزایر، صدها سال فرهنگ و تمدن آن را

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-15]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.7.7]

تحت تأثیر آیین برهمایی و بودایی قرار دادند و موجب استقرار تمدن و فرهنگ آمیخته‌ی هند و مالایی شدند. در این دوره به ترتیب دو امپراتوری بزرگ سری ویجایا[1] و موجاپاهیت[2]در اندونزی تشکیل گردید. دوره موجاپاهیت، عصر باشکوه و عهد طلایی تاریخ اندونزی به شمار می‌رود (وحید مازندرانی، ۱۳۴۵، صص۴۳-۴۵؛ اسمیت، ۱۳۵۰، صص۳۶-۳۷؛ □□□ □□ □□□,۲۰۰۹، ۱۳٤ & P. ۳).

بدین ترتیب مجمع‌الجزایر مالایا به‌ویژه جاوه و سوماترا در آستانه‌ی ورود اسلام، از حیث مذهبی تحت سیادت آیین هندوییسم و بوداییسم قرار داشت. البته هم ایرانیان و هم عرب‌ها قرون متمادی قبل از اسلام نیز با ساکنان مجمع‌الجزایر مالایا و اندونزی دارای مراودات و مناسبات تجاری و بازرگانی بودند. کالاهایی چون فلفل، کافور، میخک، مشک، عاج سفید و به طور کلی ادویه و گیاهان خوراکی و دارویی برای دنیای آن روز از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بود که در جزایر مالایا به وفور یافت می‌شد و تجار با خرید و فروش این دسته از کالاها سود سرشاری کسب می‌کردند (مارکوپولو، ۱۳۶۳، صص۱۸۴-۱۸۵؛ مستوفی، ۱۳۶۲، ص۲۳۰).

تجار، ادویه را از مراکز دادوستد آن جزایر به هندوستان می بردند. آن‌گاه این ادویه از راه خشکی به‌وسیله‌ی کاروان‌ها به بازارهای خاورِ نزدیک و سپس اروپا منتقل می‌شد. گاه نیز کالاها را بدون آن‌که از راه خشکی از طریق هندوستان حمل کنند، یکسره به بندرهای ایران یا عربستان حمل می کردند (اسمیت، ۱۳۵۰، ص۴۳).

سِر توماس آرنولد معتقد است که مسلمانان از نخستین سال‌های ظهور اسلام در مجمع‌الجزایر مالایا دارای مراکز تجاری بوده‌اند. وی از سکونت رییس یکی از قبایل عرب در سواحل غربی سوماترا، پیش از ۶۷۴ م/۵۴ هـق خبر می‌دهد (آرنولد، ۱۳۵۸، ص۲۶۶).

کراچکوفسکی، محقق معروف روسی نیز معتقد است از دوره‌ی ساسانیان و پس از آن در قرون نخستین اسلامی، مناسبات تجاری مسلمانان ایرانی و عرب تا بندر کانتون

۱. Sriwijaya

۲. Majapahit

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-15]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.7.7]

در چین برقرار بوده است و تجار مسلمان با مناطق شرق آسیا از جمله هند، چین و مجمع‌الجزایر مالایا ارتباط و رفت و آمد داشته‌اند (کراچکوفسکی، ۱۳۷۹، ص۱۱۱).

رامهرمزی از نویسندگان قرن چهارم هجری (دهم میلادی) اخبار متعددی از مبادلات تجاری مسلمانان با سوماترا- که آن را در آن دوران زابج می‌نامیده‌اند- نقل کرده است. روایت‌های بسیاری نیز از تردد کشتی‌ها از بصره و سیراف و عمان به آن سرزمین و عمران و آبادانی و رونق اقتصادی آن سامان دارد (رامهرمزی، ۱۳۴۸، صص۵، ۶، ۴۹، ۱۱۰، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۴۶).

مسعودی از جغرافی‌دانان و مورخان قرن چهارم هجری نیز به رفت و آمد دریانوردان ایرانی و عرب به خصوص سیراف و عمان به این نواحی اشاره کرده است. وی از کالاها و ادویه مورد توجه تجار در این جزایر سخن رانده است (مسعودی، ۱۳۶۵، ص۶۰؛ قزوینی، ۱۳۷۱، ص۳۱).

مناسبات اقتصادی و مبادلات فرهنگی

پرسش اینجاست که آیا این مراودات و مناسبات تجاری به مبادلات فرهنگی و اجتماعی نیز منجر گردیده است؟

تردیدی نیست که در سفرهای طولانی و در زمانی که کشتی‌ها از سرزمینی به سرزمین دیگر می‌رفته‌اند و مسافران با اوضاع و احوال و مردمان متفاوتی ارتباط می‌یافته‌اند، مهم‌ترین چیزی که می‌توانسته آن‌ها را با یکدیگر پیوند دهد، نزدیکی فرهنگی، مذهبی یا مبادلات بازرگانی بوده است. به این جهت آن‌چه که در تاریخ سفرهای دریایی دوران اسلامی، بیش از همه به چشم می‌خورد آن است که حتی در مواردی که هیچ وجه اشتراک برجسته‌ای از لحاظ فرهنگی یا مذهبی یا سیاسی میان مردمان دو یا چند سرزمین وجود نداشته، مبادله‌ی کالا میان آن‌ها موجب نزدیکی و ارتباط می‌شده است. از این رو برجسته‌ترین و مهم‌ترین روابط میان مردم آسیا و اقیانوس هند، روابط تجاری بود و به نظر می‌رسد که فرهنگ و مذهب نیز غالباً از همین طریق، از سرزمینی به سرزمین دیگر انتقال می‌یافته است(طاهری، ۱۳۸۰، ص۱۷۰).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-15]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.7.7]

احتمالاً برخی از سفرها به سزمین‌های دور نیز جهت همسرگزینی و ازدواج آسان و راحت بوده است. ابن بطوطه در این باره می‌گوید: «هنگامی که کشتی‌ها به جزایر مالدیو می‌رسند، سرنشینان و مسافران با زنان آن‌جا ازدواج می‌کنند و موقع عزیمت، طلاقشان می‌دهند. این زنان هرگز حاضر نیستند دیار خود را ترک کنند»(ابن بطوطه، ۱۳۶۱، ص۶۰۴).

قراین و شواهد حاکی از آن است که تجار مسلمان تنها به داد و ستد کالا اکتفا نکرده و خواسته و ناخواسته با بومیان، به‌ویژه ساکنان کناره‌ی دریاها مراودات اجتماعی داشته‌اند که این مراودات گاهی منجر به اسکان دائمی آنان شده است.

از آن‌جا که تمامی کسانی که به مسافرت‌های طولانی و دور دست می‌پرداختند به ضرورت می‌بایست دارای تمکن مالی باشند، چنین افرادی در مقابل بومیانی که اکثراً فقیر و گرسنه بودند از موضع فرهنگی بهتری برخورد می‌کردند. بنابراین بومیان به عنوان خدمتکار به آنان خدمت می‌کردند و دختران خود را به عقد آنان درمی‌آوردند. از طرف دیگر همین استطاعت مالی باعث می‌شد تا مسلمانان به مزدوری نپردازند و دست به اعمال خلاف از جمله راهزنی و... نزنند. به این ترتیب امانت‌داری و به تبع آن فرهنگ و دین آنان مورد توجه ساکنان بومی منطقه قرار گرفت.

تجار و ساز و کار نفوذ و گسترش اسلام

سرتوماس آرنولد سازوکار نفوذ و گسترش اسلام در جامعه‌ی آن روز اندونزی توسط تجار و بازرگانان را این‌گونه بیان می‌کند:

«مسلمانان زبان و بسیاری از رسوم محلی و بومی را می‌پذیرفتند و فرامی‌گرفتند؛ با زنان آن‌جا ازدواج می‌نمودند. برای افزایش اهمیت و موقعیت خود، بردگان را خریداری می‌کردند و با موفقیت با رؤسایی که دارای مهم‌ترین مقام در بین مردم بودند، آمیزش می‌کردند. از آن‌جا که با هماهنگی و قدرت بیشتر از مردم بومی با یکدیگر همکاری و تعاون داشتند، به تدریج برقدرت خود افزودند و از آن‌جا که تعداد زیادی برده در اختیار داشتند، برای خود یک نوع خودمختاری و سلطنت تأسیس کردند که در فامیل و خانواده‌ی آنان به ارث باقی ماند»(آرنولد، ۱۳۵۸، ص۲۶۷)

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-15]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.7.7]

به این ترتیب مسلمانان به جای این‌که به عنوان فاتح وارد این سرزمین‌ها شوند، شمشیر را وسیله‌ی نشر اسلام قرار دهند، برای خود امتیازات یک نژاد برتر قائل شوند و سکنه‌ی بومی را تحقیر و عقاید خود را برآنان تحمیل کنند، به صورت بازرگانانی ساده وارد شدند و از تمام استعداد فرهنگی و دینی خود برای ترویج آیینشان در سرزمین جدید بهره بردند و هرگز دین را وسیله‌ای برای جمع‌آوری ثروت و کسب امتیازات شخصی قرار ندادند(همان؛ ص۲۶۸) اما پرسش این است که اندونزی تحت تأثیر کدام دسته از تجار و مبلغان مسلمان هندی، عرب و ایرانی به اسلام روی آورد؟ در خصوص منشأ و مبدأ نشر و گسترش اسلام و عوامل آن در مجمع‌الجزایر مالایا نظریات مختلفی ارائه شده است. برخی با توجه به شافعی‌مذهب بودن ساکنان اندونزی و جزایر و سواحل مالابار در جنوب هند، براین باورند که اسلام توسط تجار و بازرگانان هندی به این سرزمین وارد شده است(همان، ص۲۶۸، ولک، ۱۳۷۴، ص۸۶؛ اسمیت، ۱۳۵۰، صص۳۶-۳۷؛ P. ١٤٢, Ibid,Tan Ta Sen).

برخی نیز معتقدند که اسلام از جزیرة العرب و دیگر سرزمین‌های عربی وارد جزایر جاوه، سوماترا و دیگر سواحل و جزایر مالایا از جمله سواحل مالاکا شده است. برخی نیز با توجه به وجود تعداد زیادی از شیعیان در این سرزمین و رواج لغات و اصطلاحات زبان فارسی، تجار و بازرگانان ایران را عامل نشر و گسترش اسلام در میان ساکنان این مرز و بوم دانسته‌اند (طاهری، ۱۳۸۰، ص۴۹۳؛ اسمیت، ۱۳۵۰، ص۴۲؛ P. ١٤٠, Ibid).

نوراحمد قادری از نویسندگان پاکستانی نیز براین باور است که آثار، بناها و اسناد تاریخی حاکی از وجود تشابهات فراوان بین اسلام سند و مکران و اندونزی است. بر این اساس وی معتقد است که اسلام از قرن اول هجری از طریق سند به جنوب شرق‌آسیا راه یافته است(وحید مازندرانی، بی‌تا، صص۵۹-۶۰).

قدر مسلم این‌که قبول هیچ‌یک از نظریات فوق نمی‌تواند و نباید مستلزم رد دیگر نظرات باشد. بدون شک اسلام از مجاری و مبادی مختلف و متفاوتی راه خود را به میان توده‌های مردم در مجمع‌الجزایر مالایا و جزایر مختلف جنوب شرق آسیا گشوده است. واقعیات تاریخی از جمله مناسبات تجاری چند صد و بلکه چند هزار ساله میان جزایر و سواحل خلیج فارس و دیگر سرزمین‌های عربی و ایران، وجود اسامی عربی و

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-15]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.7.7]

ایرانی و گزارش‌های متعدد جغرافی‌دانان در قرون نخستین اسلامی، همه حکایت از تأثیر و نفوذ مسلمانان عرب و ایرانی در این سرزمین دارد. از طرف دیگر نام‌ها و اصطلاحات هندی و تسلط چندصد ساله‌ی مهاجران هندی در جزایر فوق و ارتباط دائمی هند و این جزایر در طول تاریخ، همه حاکی از تبادل و تعامل فرهنگی و سیاسی و اقتصادی میان هند و این جزایر است. البته اسلام در این جزایر، طی قرون متمادی تحت تأثیر آداب و رسوم و فرهنگ کهن منطقه قرار گرفته و ویژگی‌های خاص خود را پیدا کرده است. به همین سبب امروزه میان اسلام در این خطه از دنیای اسلام با دیگر نقاط جهان از جمله ایران و سرزمین‌های عربی تفاوت‌هایی دیده می‌شود.

اما این‌که اسلام از چه زمانی وارد جنوب شرق آسیا به‌ویژه جزایر و سواحل اندونزی گردید، اطلاعات منابع، بسیار اندک و پراکنده است. جغرافی‌دانان مسلمان قرون نخستین اسلامی، در این خصوص هیچ‌گونه گزارشی ارائه نکرده‌اند و تنها به ذکر برخی عجایب، محصولات و یا آتشفشان و نام حاکم این منطقه، «مهراج» – که در واقع اشاره به عنوان مهاراجه و حاکم هندی اندونزی است – اکتفا کرده‌اند. کراچکوفسکی از محققان روسی معتقد است که مسلمانان ترتیب‌هایی را که از دوران ساسانیان در ناحیه‌ی جنوبی عراق و سواحل خلیج فارس معمول بود، حفظ کردند. وی می‌افزاید مستعمره‌ی عربی و ایرانی در بندر کانتون چندان نیرومند بود که به سال ۱۶۹هـ‌ق/ ۷۵۸م توانست شهر را تصرف و غارت کند و از راه دریا آن‌جا را ترک نماید. وی معتقد است حتی قبل از این تاریخ نیز کشتی‌های مسلمانان به تجارت با چین پرداخته‌اند (کراچکوفسکی، ۱۳۷۹، ص۱۱۱).

رامهرمزی که اثر خود را در قرن چهارم هجری/ دهم میلادی به رشته‌ی تحریر درآورده است از وجود مسلمانان بومی و غیربومی در زابج (سوماترا) سخن به میان آورده است. وی به این امر نیز اشاره می‌کند که حتی فردی از مسلمانان که جهود کوتاه نام داشته و از اهالی عمان بوده در مجلس پادشاه سوماترا حضور می‌یافته است(رامهرمزی، ۱۳۴۸، صص۱۲۴–۱۲۵). این گزارش، حاکی از نشر و گسترش اسلام توسط دریانوردان مسلمان و نفوذ آنان در این منطقه است، تا بدان حد که در مجلس خصوصی پادشاه نیز حضور می‌یافته‌اند. با این حال دین اسلام تا مدت‌ها در بنادر و سواحلی که مسلمانان با آن‌ها در ارتباط بوده‌اند باقی‌ماند و پیشرفت آن در داخل این

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-15]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.7.7]

سرزمین به کندی صورت می‌گرفت؛ زیرا اسلام در آن نواحی با مقاومت هندوها و بت‌پرستان مواجه بود(طاهری، ۱۳۸۰، ص۴۹۱). طبیعی بود که نخستین مناطقی که اسلام را پذیرفتند، مناطق ساحلی و محل‌های پر رفت و آمد و یا استقرار موقت و گاه دائم تجار مسلمان بوده باشد. چنان‌که مارکوپولو نیز هنگام مسافرت و اقامت چندماهه‌ی خود در برخی جزایر اندونزی، همه‌ی ساکنان جزایر مختلف را بت‌پرست دیده و تنها منطقه‌ی پرلاک[1] در نزدیکی تنگه‌ی مالاکا در شمال جزیره سوماترا را مسلمان دانسته است که بنابه گفته‌ی وی تحت تأثیر تجار مسلمان، اسلام را پذیرفته بودند (مارکوپولو، ۱۳۶۳، صص۱۸۶-۱۸۷).

سنگ قبرها که از معتبرترین و مطمئن‌ترین اسناد تاریخی مربوط به نشر اسلام در این مناطق است، از نشر و گسترش اسلام در این مناطق در دوره‌ی قبل از مارکوپولو حکایت دارد. قدیمی‌ترین این سنگ قبرها مربوط به سال ۴۷۵هـ‌ق ۱۰۸۲م در جاوه‌ی شرقی است (دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ذیل واژه‌ی اندونزی). به تدریج که سرکردگان و سروران مناطق واقع در طول تنگه‌ی مالاکا تعالیم اسلام را اختیار می‌کردند، مردم عامی نیز از ایشان پیروی می‌کردند. با وجود این، ساکنان این جزایر با گذشته قطع ارتباط نکردند. حقیقت آن است که مساجد اسلامی به صورت معماری هندو- جاوه‌ای ساخته می‌شد و گورهای مسلمانان، نشانه‌های هندو برخود داشت (اسمیت، ۱۳۵۰، ص۴۳).

پس از مناطق ساحلی، اسلام به تدریج به دیگر مناطق و جزایر نفوذ کرد و آنان را تحت تأثیر تعالیم جدید قرار داد. در واقع، فرآیند اسلام‌پذیری ساکنان این جزایر نیز هم‌چون دیگر مناطق جهان که اسلام در آن رواج پیدا کرد حرکتی بطئی و آرام داشت. ولی برعکس بسیاری دیگر از مناطق دنیای اسلام، پذیرش اسلام، مقدم بر تأسیس حکومت‌های اسلامی بود. در حالی که در دیگر مناطق به خصوص خاورمیانه ابتدا مناطقی به تصرف مسلمانان درمی‌آمد، حکومت اسلامی دارای سیطره و نفوذ می‌گشت و پس از آن تحت لوای حکومت‌های اسلامی و با ابزارهایی چون جنگ و جهاد گسترش می‌یافت. بدین ترتیب در طول قرون هفت و هشت هجری/ سیزده و چهارده

۱. Perlak

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-15]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.7.7]

میلادی، اسلام آن‌چنان در این جزایر نفوذ یافت که توانست نخستین حکومت‌های اسلامی را در این منطقه پی‌افکند. این امر منجر به فعالیت‌های تبلیغی علنی مسلمانان و اختلافات شدید حکومت‌های اسلامی و حکومت مذهبی بودایی ماجاپاهیت و نهایتاً سقوط این امپراتوری گردید. سقوط این امپراتوری، نفوذ و توسعه اسلام در جزایر مالایا را سرعت بیشتری بخشید. بقایای امپراتوری ماجاپاهیت که جزو طبقه‌ی ممتاز هندو بودند، به همراه پیشوایان مذهبی خود به جزیره‌ی بالی پناهنده شدند. از جمله حکومت‌های معروف اسلامی در این منطقه حکومت پاسی بود که در اواخر سده‌ی هفتم هجری/ سیزدهم میلادی در سواحل شرقی سوماترا تأسیس شد و مرکز فعالیت تجار و سوداگران عرب و ایرانی گردید (دایر ة المعارف بزرگ اسلامی، ذیل واژه‌ی اندونزی). این حکومت و از جمله معروف‌ترین حاکمان آن یعنی محمد اسکندرشاه سعی کردند از طریق برقراری رابطه با حکومت چین، خود را از قید سلطه‌ی حکومت‌های مقتدر هندو و بودایی رهایی بخشیده و استقلال خود را حفظ کنند.

در منابع متقدم، در مورد علل گرویدن ساکنان این جزایر به اسلام، دلیل محکمی وجود ندارد. گفته شده که در اثر تباهی اخلاق که به مرور زمان در میان طبقه‌ی روحانی – به‌ویژه بودایی جاوه – راه یافته بود و مردم از آن گروه سخت ناراضی شده بودند، زمینه برای تحول دینی توده مردم و جلب آنان به سوی اسلام آماده شده بود (وحید مازندرانی، بی‌تا، ص۷۲).

نخستین و مهم‌ترین اقدامات، جهت نفوذ و گسترش اسلام در مناطق جاوه نیز توسط بازرگانان صورت گرفت. فرزند حاکم پاجا جاران (قسمت غربی جزیره‌ی جاوه) شغل بازرگانی داشت. وی هنگامی که رهبری یک هیأت تجاری به هندوستان را برعهده داشت، با بعضی از بازرگانان مسلمان آشنا شد و به وسیله‌ی آنان به اسلام مشرف گشت. وی که پس از این نام حاجی‌پورا برخود نهاده بود، پس از بازگشت به کشور خود با کمک تجار مسلمان، برادر و دیگر اعضای خاندان سلطنت را به اسلام رهبری نمود (آرنولد، ۱۳۵۸، صص۲۷۶–۲۷۷). البته در کنار فعالیت‌های تجار و بازرگانان، برخی از افراد، اعم از علما و صوفیان نیز به نشر و انتشار اسلام در این مناطق و دیگر

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-15]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.7.7]

مناطق شرق آسیا و شبه قاره مشغول بودند که در این مقالـه مجـال پـرداختن بـه آن‌هـا نیست.

هنگامی که در قرن هشـتم هجری/چهـاردهم مـیلادی ابـن بطوطـه، سـیاح معـروف مسلمان، به جزایر جاوه، سوماترا و دیگر جزایر جنوب و جنوب شرق آسـیا گـام نهـاد، بخش زیادی از ساکنان منطقه به اسلام گرویده بودند. ابـن بطوطـه در سـال ۷۴۶هــق/ ۱۳۴۵م در دیدار از سوماترا، حکومت‌های اسلامی این منطقـه را دارای قلمـرو وسـیع و قدرت فراوان توصیف می‌کند. او در این‌جـا بـا چنـدنفر از مسـلمانان ایرانـی از جملـه بهروز، کفیل فرمانده‌ی نیروی دریایی و قاضی امیر سیدشیرازی و تاج‌الدین اصفهانی که از علمای آن سرزمین بوده‌اند، آشنا می‌شـود(ابن‌بطوطه، ۱۳۶۱، ص۷۲۱). وجـود چنـین افرادی در نشر و انتشار اسلام در این منطقه نقش بسـزایی داشـته اسـت. در ایـن زمـان ملک ظاهر بر مسلمانان ناحیه حکومت می‌کرده است. ابن بطوطـه دربـاره‌ی وی چنـین می‌گوید:

«پادشاه جاوه[1]، ملک ظاهر، از پادشاهان خیّر و کریم و پیرو مذهب شافعی است. وی دوستدار فقها است و آنان برای قرائت قـرآن و مباحثـه پـیش او می‌رونـد. ملـک ظـاهر چندین غزوه با کفار کرده و مردی فروتن است که برای نماز جمعه پیاده می‌آید. اهـالی جاوه نیز شافعی مذهب و مردمـی مجاهـد پیشـه‌اند و از جـان و دل در جهـاد شـرکت می‌کنند و بر کفار آن حدود چیره‌اند و کفار ناگزیرند که برای به‌دست آوردن صـلح تـن به قبول جزیه دهند» (همان).

سنگ قبری به تاریخ ۸۳۳هـق/ ۱۴۱۹م متعلق بـه ملـک ابـراهیم کاشـانی بـه خـوبی گویای نقش تجار و بازرگانان و فرآیند نفوذ و گسترش اسـلام در مجمـع‌الجزایر مالایـا است. مطالب کتیبه‌ی این سنگ قبر حاکی از آن است که وی تاجری ثروتمند بـوده کـه احتمالاً ثروت خود را از راه تجارت ادویه به‌دست آورده اسـت(ولک، ۱۳۷۴، ص۱۲۵). وی به همراه تعدادی از هم کیشان خود در نیمه‌ی دوم قرن چهاردهم میلادی در ساحل شرقی جاوه پیاده شده و در نزدیکی شـهر جریسـک[2] مقابـل جزیـره مـدورا[1] سـکونت

۱. ابن بطوطه جزیره‌ی سوماترا را با عنوان جاده کوچک می‌شناخته است.

۲. Gresik

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-15]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.7.7]

گزیـده بـود. گفتـه شـده کـه وی خـود را از نسـل حضـرت امـام زین‌العابـدین (ع) و پسرعموی راجه چـرمن[۲] یکـی از حاکمـان جـاوه می‌دانسـته اسـت. تـلاش وی بـرای گسترش و نشر اسلام منجر به تشکیل جامعه‌ی کوچکی از مسلمانان در جاوه گردید. او هم‌چنین در این محل مسجدی بنا کرد و به همراه راجه چرمن تلاش‌های زیـادی بـرای گسترش اسلام انجام داد. ولی تلاش آنان برای اقناع پادشاه موجاپاهیت جهـت پـذیرش اسلام به نتیجه‌ای نرسید (آرنولد، ۱۳۵۸، ص۲۷۷).

گزارش منابع چینی و محلی نیز از گسـترش روزافـزون و نفـوذ تـدریجی اسـلام از مناطق ساحلی به نواحی مرکزی ودوردست حکایت دارد. به این ترتیب نواحی پـرلاک[۳] و پاسی[۴] در شمال سوماترا در پایان قـرن سـیزدهم و مالاکـا در اوایـل قـرن پـانزدهم و جزایر ملوک[۵] در ابتدای قرن شانزدهم به دین اسلام گرویدند.

فرماندار ماکاسار[۶] در آغاز قرن هفدهم قبول اسلام کرد، ولی بسـط سـریع اسـلام در اندونزی در قرن شانزدهم به واسطه‌ی سخت‌گیری پرتغالی‌ها در تحمیـل دیـن مسـیحی خود و از طرف دیگر در اثر رقابت تجار مسلمان با پرتغالی‌ها صورت گرفت. مهم‌تـرین سلطان‌نشین‌های اسلامی در ایـن دوره، دمـاک[۷] در جـاوه مرکـزی، اچـه در سـوماترای شمالی و برونئی در شمال جزیره‌ی برونئو بودند.(وحید مازندرانی، بی‌تا، ص۶۱)

فرجام سخن

مجمع‌الجزایر مالایا به علت موقعیت خاص جغرافیایی در طول تاریخ، محل مناسـبی برای اتراق تجار و بازرگانـانی و محلـی مناسـب بـرای تبـادل محصـولات و کالاهـای مختلف بین شرق و غـرب جهـان متمـدن آن روز بـوده اسـت. البتـه سـوای موقعیـت ترانزیتی، جزایر سوماترا، جاوه و ملوک به سبب وفـور ادویـه بـه خـودی خـود نیـز از

---

۱. Madura

۲. Raja of Cherman

۳. Perlak (بندری در شرق سوماترا در شمال غربی انونزی)

۴. Passi (ناحیه‌ای در ساحل شمالی آچه در سوماترا)

۵. در شرق اندونزی

۶. جزیره ای در جنوب شرق اندونزی

۷. Demak

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-15]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.7.7]

اهمیت زیادی برخوردار بودند. سوداگران ضمن داد و ستد کالا، افکار عقاید و باورهای دینی، مذهبی و فرهنگی را نیز به بومیان عرضه می‌کردند. بازرگانان مسلمان هندی، ایرانی و عرب همگی در نشر و گسترش اسلام در این منطقه مؤثر بودند و هریک به نوعی به ترویج و تعمیق باورهای مذهبی می‌پرداختند. وجود اسامی هندی، ایرانی و عربی در این خطه به خوبی گویای این آمیختگی فرهنگی است. گرچه به نظر می‌رسد که در قیاس با دیگر سرزمین‌های اسلامی، اسلام با تأخیر و به کندی در این جزایر نفوذ کرده و توسعه یافته، ولی در واقع چنین نبوده است. برای فهم و توضیح این مطلب باید میان فتح یک منطقه و پذیرش و گسترش اسلام تمایز و تفکیک قائل شد. در واقع در دیگر مناطق دنیای اسلام هم گرچه فتح نظامی به سرعت صورت می‌گرفت، ولی فرآیند نشر و گسترش اسلام یک روند درازمدت با ویژگی‌های خاص خود بوده است. به هر صورت یکی از تفاوت‌های اساسی نشر اسلام در جنوب شرق آسیا از جمله مجمع‌الجزایر مالایا با بسیاری از مناطق مرکزی دنیای اسلام همین است؛ یعنی مسلمانان در این خطه از پشتوانه‌ی نیروی نظامی برای تبلیغ آیین خود برخوردار نبوده‌اند و بومیان بدون این‌که سایه‌ی شمشیر بر سر آنان بوده باشد، اسلام را به مثابه‌ی یک عنصر جدید و رهایی‌بخش برای مقابله با مشکلات اجتماعی و اقتصادی و در دوره‌های متأخر و در آستانه ورود استعمارگران به عنوان ایدئولوژی مبارزه پذیرفته‌اند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-15]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.7.7]

منابع و مآخذ

۱. آرنولد، سرتوماس (۱۳۵۸). *تاریخ گسترش اسلام*، ترجمه‌ی دکتر ابوالفضل عزتی، تهران: دانشگاه تهران.

۲. ابن بطوطه (۱۳۶۱). *سفرنامه*، ترجمه‌ی محمدعلی موحد، چاپ سوم، تهران:انتشارات علمی و فرهنگی.

۳. ابن ماجد، شهاب‌الدین احمد (۱۳۷۲). *کتاب الفوائد في اصول علم البحر و القواعد*، ترجمه‌ی احمد اقتداری و امید اقتداری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

۴. اسمیت، دیتوس (۱۳۵۰). *سرزمین و مردم اندونزي*، ترجمه‌ی پرویز داریوش، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۵. *حدود العالم من المشرق المغرب* (۱۳۶۲). به کوشش منوچهر ستوده، تهران: کتابخانه طهوری.

۶. *دایرة المعارف بزرگ اسلامي*.

۷. رامهرمزی، بزرگ بن شهریار (۱۳۴۸). *عجایب هند*، ترجمه‌ی محمد ملک‌زاده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

۸. طاهری، محمود (۱۳۸۰). *سفرهاي دریایي مسلمین در اقیانوس هند*، مشهد: آستان قدس رضوی.

۹. قزوینی (۱۳۷۱). *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمه‌ی محمد مراد بن عبدالرحمان، تصحیح دکتر سیدمحمد شاهمرادی تهران: دانشگاه تهران.

۱۰. کراچکوفسکی، ایکناقی یولیا نوویچ (۱۳۷۹). *تاریخ نوشته هاي جغرافیایي در جهان اسلامي*، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.

۱۱. مارکوپولو (۱۳۶۳). *سفرنامه*، ترجمه‌ی سیدمنصور سجادی و آنجلادی جوانی دومانو، تهران: گویش.

۱۲. مستوفی، حمدالله (۱۳۶۲). *نزهه القلوب*، تهران:دنیای کتاب.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-15]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.7.7]

۱۳. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۶۵). *التنبیه و الاشراف*، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۴. وحید مازندرانی (بی‌تا). *سرزمین هزاران جزیره*، تهران: کتابخانه‌ی دهخدا.
۱۵. ولک، برنارد (۱۳۷۴). *تاریخ اندونزی*، ترجمه‌ی ابوالفضل علیزاده طباطبائی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۶. Tan Ta Sen (2009). Cheng Ho and Islam in Southeast Asia, Singapore, institute of Southeast Asia studies.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-15]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1390.1.2.7.7]